

ادبیات مقاومت لبنان

نویسنده: رضیه برجیان

درآمدی بر تاریخ شکل گیری لبنان

لبنان حدود ۴۰۰ سال جزئی از امپراطوری عثمانی بود و از آنجا که دولت عثمانی برخورد خوبی با اقلیت های دینی نداشت، مسیحیان و شیعیان لبنان تحت فشار زیادی بودند؛ از این رو عده ای به سرزمین های دیگر مهاجرت کردند.

پس از جنگ جهانی اول، مدیریت بخشی از خاک این سرزمین به عنوان قسمتی از سوریه، به فرانسه واگذار شد. در سال ۱۹۴۳ بود که لبنان به عنوان یک کشور مستقل برای اولین بار شکل گرفت، اما چندان مزه رفاه را بخشید؛ زیرا با شروع جنگ اعراب با اسرائیل در سال ۱۹۴۸، اوضاع منطقه آشفته و لبنان نیز با اسرائیل وارد جنگ شد؛ جنگی که تا به امروز هم ادامه دارد اگرچه اغلب همراه با صلح های کوتاه مدت بوده است. این کشور غیر از درگیری های خارجی، گاه به گاه درگیر منازعات و جنگ داخلی نیز بوده است؛ منازعاتی که پیش از همه منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه و لبنان را تأمین می کرده است تا اقوام و گروه های لبنانی. از این روست که در لبنان معاصر نسلی را نمی توان یافت که درگیر جنگ نشده باشد؛ همچنان که شاعر یا نویسنده ای لبنانی را نمی توان پیدا کرد که به ادبیات جنگ به طور عام و به ادبیات مقاومت به طور خاص پرداخته باشد.

شکل گیری ادبیات مدرن در لبنان

بیشتر محققین بر این باورند که مقدمات نهضت علمی و ادبی در جهان عرب قبل از سده نوزدهم میلادی (به عبارت دیگر پیش از حمله ناپلئون به مصر) آماده نشده بود. این گفته اگر درباره برخی از کشورهای عربی درست باشد، درباره لبنان که پیشروترین همه کشورهای عربی در ارتباط با غرب و استفاده از تمدن اروپا بوده است، درست نیست؛ از این رو کسانی که بخواهند درباره ادبیات معاصر عربی در لبنان بحث و تحقیق کنند، ناچار باید برای شناختن مقدمات و عوامل آن به دوره های پیش از سده نوزدهم مراجعه کنند.

آمدن مبلغین مسیحی از اروپا به لبنان و اقامت گزیدن شان در این کشور، از روزگار امیر فخرالدین دوم آغاز گردید. در همان زمان نیز طلاب مسیحی برای تحصیل به رم مهاجرت و پس از مراجعت، مدارس دینی را در زادگاه خویش تأسیس کردند و به این ترتیب بذر این نهضت را در این سرزمین کاشتند.

یکی از نتایج سودمندی که از این برخورد به دست آمد، توجه لبنانی ها به میراث ارزشمند فرهنگی خود بود؛ آن گونه که تحصیل کرده های آنان بیش از هرچیز به زنده کردن آثار بازمانده و تقویت زبان عربی پرداختند.

عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت نهضت ادبی در لبنان

پیشرفت نهضت ادبی در لبنان مرهون عوامل مختلفی بود که از جمله آنان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. چاپ کتاب های مهم و مشهور عربی در زمینه های تاریخی، ادبی و...؛
 ۲. توجه ویژه ادبا و تحصیل کردگان لبنانی به میراث ادبی گذشته؛
 ۳. مهاجرت ادبای لبنانی به مصر و آمریکا و بنیان گذاری مکتب ادبی در آن کشورها که در تبادل فرهنگی گسترده با آنان شکل گرفت؛
 ۴. چاپ روزنامه ها و انتشار مقالات ادبی در آن ها و نیز داستان های کوتاه ترجمه شده یا تألیفی در نشریات که فضایی برای ارائه آثار و نقد و بررسی آنان فراهم کرد.
- گذشته از همه این ها لبنان پیوسته در میان تمام کشورهای منطقه از یک امتیاز ویژه برخوردار بوده است و آن، طبیعت زیبا و مواهبی است که به آن ارزانی شده؛ دریای لاجوردی، جویبارهای صاف، دره های سرسبز، کوهستان های خرم، هوای دلکش و تنوع مظاهر زندگی در آن که باعث سرشار شدن خیال و گسترش آن و برانگیختن همت و شور و نشاط زندگی و نیز بیدار شدن حس نوخواهی و نوجویی می گردد[1].
- پس از پایان جنگ جهانی اول، لبنان مستعمره فرانسه شد. برنامه آموزشگاه های دولتی آن از روی برنامه مدارس فرانسه تنظیم و آموزش زبان فرانسه و ادبیات آن در آن گنجانده شد [2]. بدین گونه روابط میان لبنان و جهان عرب به طور عموم و لبنان و فرانسه به صورت خصوصی در این دوره، روز به روز استوارتر گردید. مدارس بیگانه نیز به تدریج توسعه یافتند و مدارس ملی را تحت الشعاع قرار دادند. به همین جهت دانشجویان از ادبیات غربی سرمایه فراوانی گرفتند و گنجینه های ادبیات عرب را سرمشق خود قرار دادند.
- طبقه نواخته شاعران و نویسندگان لبنان در تمام فنون ادبی و هنری، راه های تازه ای را گشودند، در نوشتن داستان های کوتاه و بلند و نمایشنامه نویسی و مقاله از نویسندگان غربی الگو گرفتند و آن را با محتوای غنی میراث عرب و ملی لبنان آمیختند [3].
- فتحی الایبیری با اشاره به اشغال جهان عرب به وسیله اروپا می گوید: «این اشغال با فرهنگ عربی ارتباط مستقیم داشت و به تغییر نشانه های عامه و چرخش و دگرگونی ذوق ادبی و هنری منجر شد؛ تغییری که با طبیعت و سرشت دولت مستعمره ای که به وسایل نشر (روزنامه ها و مجلات و چاپ خانه ها و...) اشراف دارد، تناسب داشت و این تأکید است به اینکه تجربه و آگاهی ارجحیت شاخه های فرهنگ عربی تضمینی نیست و به همین خاطر هم به ادب عربی که جوانب گوناگون (مثبت و منفی) داشت، اضافه شد [4].»

در این میان ترجمه آثار ادبی خارجی به عربی و انتشار آن، تأثیر جدی و عمیق بر ادبیات در لبنان داشت؛ به خصوص در مورد ادبیات داستانی که ترجمه و اثرپذیری از کشورهای اروپایی در پیدایش این هنر، شکل جدید و شخصیت مستقل آن نقش اساسی بازی کرده اند.

اما ترجمه آثار هدفمند نبود و بسیاری از آثاری که با واسطه زبان دیگر (به ویژه فرانسوی) ترجمه شدند، ترجمه های ناقص و مشوشی داشتند. در نتیجه برای هنر داستانی متن هایی که به این صورت به عربی برگردانده شدند، فرصت کافی برای رسیدن و پخته شدن وجود نداشت و از آنجا که مترجمان شیوه های ادبی متقن و جا افتاده ای برای کار خود نداشتند، این ترجمه ها از ضعف هنری رنج می برند. البته از تصرفاتی که بسیاری از مترجمان در ترجمه و عربی سازی متون انجام داده اند نیز نباید گذشت.

همین مسئله سبب شد تا بعضی از نویسندگان به اعتراض برخیزند و برخی دیگر حوادث انقلاب عربی در جنوب لبنان را با قهرمان هایی جاودانه به تصویر کشند و شخصیت های وطنی و محلی را از روستاهای لبنان اختیار کنند [5]. میخائیل نعیمه، یکی از نویسندگان برجسته و تأثیرگذار لبنان در این باره می گوید: «علی رغم سنگینی هضمی که ادبیات ما با آن روبه رو بوده است، می بینیم که روزگار وابستگی و شاگردی با قدم هایی سریع طی می شود؛ همچنین می بینیم کسانی که بر سر سفره های نعمت های ادبی غرب چهار زانو نشسته بودند یا پیوسته می نشینند، شناخته اند که چه غذاهایی و چقدر از آن ها را باید بخورند و چگونه آن ها را هضم کنند و با چیزهای لازم آغشته سازند تا به یک غذای طیب و سالم برای خود و دیگران برسند [6].»

ادبیات مدرن در لبنان را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱. روزگار اولیه که در آن فقط بیان کردن، از این شاخه به آن شاخه پریدن، شناختن و مقید به قوانین بودن (ولو قوانین کلاسیک) به چشم می خورد که این دوران تا جبران خلیل جبران ادامه می یابد؛

۲. روزگار دوم که تولید ادبیات مدرن در لبنان پیشرفت می کند و کم کم به استقلال می رسد [دوران بومی سازی]؛

۳. روزگار سوم که ابداع و خلاقیت و آزادی هنری در آن متجلی می شود [7].

نکته جالب توجه در مورد ادبیات مقاومت در لبنان این است که اغلب هنرمندان لبنانی در دو یا سه عرصه قلم زده اند و کمتر نویسنده و شاعری را در لبنان می توان یافت که در آثارش، ردی از جنگ، مبارزه با استعمار مقاومت و ظلم ستیزی نباشد. اکنون به معرفی دو تن از هنرمندان هنر مقاومت در لبنان می پردازیم:

۱. جبران خلیل جبران

جبران خلیل جبران، در روستای بشری در شمال لبنان متولد شد. فقر و تنگدستی، او و خانواده اش را به مهاجرت به آمریکا وادار کرد. وی چندی بعد به کشورش بازگشت و برای آزادی لبنان از سلطه امپراطوری عثمانی فعالیت سیاسی بسیاری داشت. همچنین به همراه تنی چند از شاعران و نویسندگان مهاجر عرب، انجمن «الرابطه العلمیه» را در آمریکا بنیان نهاد [8].

ادبیات لبنان در آثار دسته ای از هنرمندان، مانند درختی است که ریشه و تنه آن عربی و پیوندش اروپایی است. این گروه از شاعران و نویسندگان به خوبی این دو مکتب را به هم آمیخته اند [9]. در این پیوند در آثار جبران خلیل جبران به خوبی مشهود است.

سروده ها و نوشته های وی زبانی نزدیک به کتاب های دینی به ویژه انجیل دارد. او همواره در پی این بود که درون انسان ها را با نوشته هایش پالایش کند و آن ها را به مقاومت در مقابل ظلم ها و پستی ها وادارد [10].

۲. الأخطل الصغير

بشاره عبدالله الخوری مشهور به الاخطل الصغير در بیروت متولد شد. وقتی که در سال ۱۹۰۸ م قانون اساسی عثمانی منتشر شد، ساکنان سرزمین های مختلف تحت حکومت عثمانی به برقراری عدل و آزادی امیدوار شدند. نتیجه شادمانی الاخطل الصغير، انتشار نشریه «البرق» بود. «البرق» با صدای بلند از ظلم و فساد سخن می گفت، اما طولی نکشید که جامعه ای که او در آن می زیست؛ هرچه بیشتر به سمت استبداد پیش رفت. او نیز این عملکرد را به باد انتقاد گرفت که نتیجه اش انتشار نشریه «البرق» بود [11].

آثار الاخطل به دو دسته اصلی تقسیم می شوند: اشعار و مقالات مطبوعاتی.

مضامین رایج در اشعار او تغزل، سیاست و مقاومت و... است. شعر سیاسی و اجتماعی او با زبانی برنده و حماسی همواره مردم را به آزادی، برادری و بزرگواری فرا می خواند. مسئله فلسطین در کنار عشق به لبنان، زخمی عمیق و اندوهی جانکاه در قلب او بود که حاصلش اشعار ماندگاری در ترویج مقاومت و پایداری در برابر ظلم و وجود اسرائیل است [12].

*ادبیات عرب در طول تاریخ در سرزمین‌های عربی شکل گرفت و ماهیت کاملاً بومی داشت، اما در دو مقطع زمانی این ادبیات خارج از محدوده کشورهای عربی شکل گرفت: اول در جریان مهاجرت به اندلس، قرطبه و اشبیلیه و دوم در ماجرای مهاجرت ادبای سوری و لبنانی به آمریکای شمالی و جنوبی. این مهاجرت تحول بزرگی در ادبیات معاصر عربی ایجاد کرد. «الرابطۃ العلمیه»، جریان ادبی مهجر شمالی را سازماندهی کرد. میثال نعمان معلوف با قدرت مالی خود و صرف آن در راه گسترش ادبیات مهجر جنوبی خدمت فراوان و شایان توجهی به ادبیات کرد. وی با تشکیل جلسات و نشست‌های متعدد، زمینه تشکیل یک انجمن ادبی را فراهم آورد و در نهایت انجمن ادبی مهجر جنوبی در سال ۱۹۳۳ میلادی در برزیل تأسیس شد. (کیهان فرهنگی، ش ۲۲۲، ص ۶۹ - ۶۶).

[1]الدراسات الادبیه، ادبیات عربی معاصر لبنان، جبرائیل جبود، ش ۱، ص ۷۵.

[2]همان، ص ۷۸.

[3]همان، ص ۷۹.

[4]ماهنامه ادبیات داستانی، ش ۱۰۲، ص ۲۵.

[5]پیرایش داستان کوتاه در جهان عرب، صابر امامی، ادبیات داستانی، ش ۱۰۲، ص ۷۵.

[6]همان، ، ص ۷۷.

[7]همان، ص ۷۸.

[8]مقاومت و پایداری در شعر عرب از آغاز تا امروز، موسی بیدج، ص ۱۳۲.

[9]الدراسات الادبیه، ش ۱، ص ۸۰.

[10]مقاومت و پایداری در شعر معاصر عرب، ص ۱۳۲.

[11]همان، ص ۱۲۵.

[12]همان، ص ۱۲۶.